

واکاوی جامعه‌شناختی نماد دایره در ساختارهای تدفینی عصر آهن: مطالعه موردی گورستان‌های حوضه رود مشگین چایی

رضا رضالو^۱یحیی آیرملو^۲کریم حاجی‌زاده^۳باستانی‌بهرروز افخمی^۴

(دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۰۲ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴)

چکیده

عصر آهن به دوره‌ای گفته می‌شود که در آن تکاپوی مهاجرت بین اقوام مختلف شدت گرفت. بهترین اثر باستان‌شناختی از این اقوام مهاجر، ساختارهای تدفینی آن‌هاست. به گونه‌ای که این ساختارها در بسیاری از حوزه‌های باستان‌شناختی - که آن‌ها اشغال کرده‌اند - دیده می‌شود. شاخص‌ترین ویژگی تدفینی این اقوام - که در بیشتر سرزمین‌های واردشده به آن قابل مشاهده است - وجود ساختاری مدور سنگی بر سطح گور است که فضای مرکزی یا محل قرار گرفتن مرده را احاطه کرده است که گاهی به واسطه چیدن یک ردیف قلوه‌سنگ یا قطعه‌سنگ ساخته می‌شده و یا گاهی با ساختاری چند ردیفه از سنگ‌های کوچک و بزرگ و با نظم خاصی انجام می‌گرفته است.

منطقه مورد مطالعه، حوضه یکی از رودخانه‌های پرآب شهرستان مشگین‌شهر است که یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری محوطه‌های باستانی این بخش از استان اردبیل به‌شمار می‌آید. در بررسی‌های میدانی، گورستان‌های عصر آهن بسیاری در این حوضه مطالعه شد که یکی از ویژگی‌های بارز آن‌ها، ساختارهای جالب توجه دایره‌ای‌شکلی است که فضای داخلی گور و محل قرارگرفتن جایگاه مرده را احاطه کرده است. پژوهش حاضر با پیش‌زمینه‌ای مختصر از نحوه پراکنش چنین ساختارهایی در قبور هزاره دوم و اول قبل از میلاد، با نگاهی به مطالعات

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول).

*r_rezaloo@uma.ac.ir

۲. دکتری باستان‌شناسی پیش از تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی.

۳. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

۴. استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

اسطوره‌شناختی و نمادشناختی، به چرایی و چگونگی وجود ساختارهای مدور در تدفین‌های باستانی عصر آهن حوزه مشگین‌چایی پرداخته است. نگاهی جامعه‌شناختی به این موضوع، بیانگر وجود باورهای خاصی بین جوامع عصر آهن بوده که اعتقاد به آن‌ها سبب پیدایش و تداوم شیوه‌های خاصی در تدفین مردگان شده است.

واژه‌های کلیدی: عصر آهن، حوزه مشگین‌چایی، گورستان، گور، ساختار مدور.

مقدمه

مطالعه بحث‌های مربوط به تفکرات مردمان جوامع باستان، در شاخه‌ای از باستان‌شناسی جای می‌گیرد که از آن به‌منزله باستان‌شناسی ادراکی یاد می‌شود. واکاوی تمامی مسائلی که در ذهن انسانی که هزاران سال پیش از ما می‌زیسته است، کاری است بس دشوار و در موارد بسیاری امری غیرممکن. بسیاری از این ادراکات و تفکرات، در آنچه یک انسان از خود برای آیندگان به‌جای گذاشته است، بروز می‌یابد. آیین‌های مربوط به تدفین مردگان و تمامی فعل و انفعالاتی که در حین به‌خاک سپردن یک مرده از سوی بازماندگان وی صورت می‌پذیرفته، همگی نشان از یک تفکر ماورائی است که بشر به‌واسطه توسل بدان‌ها، مایل بوده است تا مرده خود را به بهترین شکل ممکن راهی جهان پس از مرگ کند. حقایق و وقایع بی‌شماری در ماورای درک بشری قرار دارند. انسان از روزگاران ازلی تا به امروز، در دنیایی به‌سر می‌برده که همه چیز در آن در حال زوال و نابودی بوده است. از این رو، همواره در جست‌وجوی گریزگاهی بوده است تا بتواند از این حس زوال رهایی یابد و به گستره بی‌مرگی و جاودانه پناه ببرد. در دنیای امروز نیز، همگی ما در پی دوری از زوال و نابودی و مرگ هستیم. هر چه بیشتر به دوران پیری نزدیک می‌شویم، چگونگی روبه‌رو شدن با مرگ و دنیای پس از آن نیز افکار ما را بیشتر به‌خود مشغول می‌کند. بی‌شک گذشتگان نیز همچون ما غرق در این افکار بودند. به‌نظر می‌رسد، وجود ویژگی مشترکی چون یک ساختار مدور در تدفین‌های باستانی برای رفع یکی از دل‌مشغولی‌های جوامع هزاره دوم و اول قبل از میلاد در روبه‌رو شدن فرد مدفون با دنیای پس از مرگ بوده است.

بی‌شک، آنچه امروزه از ساختارهای تدفینی جوامع باستان به‌دست ما رسیده است، اطلاعات ارزشمندی می‌توان به‌دست آورد. در اینجا یک وجه مشترک گورهای عصر آهن مطالعه شده است. این ویژگی مشترک وجود ساختارهای دایره‌ای‌شکل در قبور عصر آهن است. در بیشتر گورهای این دوره این موضوع رعایت شده است. پس پیدایش و تداوم چندین

واکاوی جامعه‌شناختی نماد دایره در ساختارهای... رضا رضالو و همکاران

صدساله آن نیز باید بیانگر موضوعی خاص باشد. امری که بی‌دلیل به وجود نیامده و بدون شک وابسته به یک باور خاص آیینی بوده است. هدف از ایجاد چنین ساختارهایی چه بوده است. نحوه ایجاد این نوع معماری چگونه بوده است. چگونه می‌توان آن را به باورها و اعتقادات مردمان عصر آهن مربوط ساخت. میزان پراکنش چنین ساختارهایی در دنیا چگونه است. پژوهش حاضر با انتخاب موردی حوزه‌ای که گورستان‌های عصر آهن بسیاری در آن دیده می‌شود و به روشنی می‌توان در تمامی آن‌ها این نوع ساختارها را مشاهده کرد، به دنبال پاسخ این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این قبیل انجام گرفته است.

پیشینه پژوهش

اگر بخواهیم پژوهش‌هایی را به این موضوع مرتبط سازیم، بیش از همه باید به مطالعاتی اشاره کنیم که در آن‌ها به نماد دایره و مفاهیم آن اشاره کردند. در کتبی همچون فرهنگ مصور نمادهای سنتی (کوپر، ۱۳۷۹)، رمزهای زنده‌جان (دوبوکور، ۱۳۷۶)، فرهنگ خرافات (عجیب-ترین خرافات مردم جهان) (وارنیک، ۱۳۷۱)، انسان و سمبول‌هایش (یونگ، ۱۳۷۸)، فرهنگ نمادها (شوالیه و گربان، ۱۳۸۸) و فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب (هال، ۱۳۸۹) به صورت مختصر به نماد دایره و مفاهیم آن در فرهنگ‌های مختلف اشاره شده است. در این زمینه در مقالاتی همچون «نمادهای جاودانگی (تحلیل و بررسی نماد دایره در متون دینی و اساطیری)» (بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۶)، «نگاره ماندالا، ریختار ساخت اسطوره، حماسه اسطوره‌ای و عرفان» (اتونی، ۱۳۸۹)، «دایره نماد دینی در تمدن‌های بین‌النهرین، ایران، آیین بودایی هند و چین» (موسوی‌نیا، ۱۳۸۸)، «معرفت و رمزهای هندسی» (اکبری و همکاران، ۱۳۸۹) و «هنرهای تجسمی: ماندالا: تجلی ماوراءالطبیعه در هنر دینی هند» (ذکرگو، ۱۳۷۹) می‌توان مطالب مرتبط با نقش دایره و موضوع مقاله حاضر را پیدا کرد.

دایره و مفاهیم نمادین آن

دایره شکل کهن‌الگویی در ذهن و روان هر انسان است که مفاهیمی همچون تقدس، کمال، بی‌نهایت و جاودانگی را نشان می‌دهد. لذا، انسان هرگاه خواسته است، هر کدام یا دسته‌ای از این مفاهیم را بیان کند از این نماد بهره جسته است. هاله‌های معنایی گرد این شکل به سبب نمادین و شناور بودن آن شکل گرفته و همین ویژگی سبب شده است که نماد دایره، در هر زمان در کسوت‌های گوناگون آشکار شود (بیگدلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۱). دایره دومین نماد

از چهار نماد اصلی مرکز، دایره، صلیب و مربع است. حرکت دورانی، کامل، تغییرناپذیر، بدون شروع و انتها و بدون نوسان است و این همه، دایره را آماده می‌کند تا نماد زمان باشد؛ زیرا زمان نیز توالی مدام لحظات است، لحظاتی که هر یک مشابه دیگری است (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۸: ۱۶۵). در نگرشی دیگر، دایره نماد فعالیت آسمان، دخول پویا در کیهان، علیت آن، نوعیت آن و نقش تقدیری آن است. اینجاست که دایره به نمادهای الوهیت می‌پیوندد که میل به آفریدن دارد و زندگی را ایجاد می‌کند و نظم و ترتیب می‌دهد (همان، ۱۶۸).

پیشینیان بر این باور بودند که فضاهای دایره‌ای و حلقه‌ای، حافظ و نگاهدار هر آن چیزی است که در درون حلقه جای دارد. الیاده دایره ساختن و دایره زدن را به‌گونه‌ای رمزی، ایمنی‌بخش و مانع هجوم ارواح خبیثه می‌داند. به عقیده او دایره‌های بسته‌شده گرد مقابر، مانع از سرگردانی ارواح می‌شود و شگردی برای حفاظت از آن‌ها و نیز سبب باقی ماندن ارواح در فضایی مقدس است (دوبوکور، ۱۳۷۶: ۹۳). به عبارتی دیگر، دایره به‌منزله یک شکل فراگیر، مانند یک مدار بسته، نماد حمایت است، حمایتی مطمئن در محدوده خود. از همین تفسیر استفاده جادویی از دایره به‌وجود آمده است؛ از جمله ریسمان دفاعی به دور شهرها، معابد و مقابر برای جلوگیری از ورود دشمنان، ارواح سرگردان و شیاطین. رزمندگان قبل از شروع جنگ دایره به دور خود می‌کشیدند (شوالیه و گریبان، ۱۳۸۸: ۱۷۴). چنین دایره‌هایی با در نظر گرفتن فضایی تابوگونه، به ابزار محافظت از اشیا و اشخاص تبدیل می‌شوند (دوبوکور، ۱۳۷۶: ۹۴، ۹۵).

یکی از اشکال و نمادهایی که با جاودانگی پیوند دارد نماد دایره است. درحقیقت، انسان جاودانگی را در این نماد تجسم کرده است. از این رو، هرگاه خواسته است تا مفهومی بی‌نهایت را نشان دهد، از طرح‌های ماندالایی و دایره‌ای شکل استفاده کرده است. آنچه توانسته است عطش جاودانگی انسان را فرونشاند، تصور ساختن نمونه‌های جاودانه است. درحقیقت، او به‌معنای جاودانگی، فرم و شکلی جاودانه می‌بخشد. ساختن نمونه‌های ازلی هم می‌تواند به‌صورت ذهنی باشد و هم به‌صورت آفریدن نمونه‌ای بصری. او باید شکلی را برگزیند تا بتواند جاودانگی را در آن تصور کند. از این رو، هرگاه می‌خواهد چیزی بیافریند که به بی‌نهایت و جاودانگی منتهی شود باید آن را به‌شکل تصویرهای ازلی جاودانگی در آورد و اجزای دیدنی را با الگوهای نادیدنی همانند سازد. این جریان از طریق پیوند دادن نادیدنی‌ها با اشکال و صورت‌های نوعی که در ناخودآگاه او وجود دارند، صورت می‌گیرد (ر.ک: یونگ، ۱۳۷۸: ۳۸۶ - ۳۸۷).

حلقه در فرهنگ‌های مختلف همواره با رازآمیزی و حادثه همراه بوده است. رازآمیزی حلقه را می‌توان نتیجه ارتباط دایره با نیروهای ماورائی و قدسی دانست. قداس و حلقه‌های رازآمیز در بسیاری از اسطوره‌ها، داستان‌ها و حتی باورهای عامیانه نمود یافته است. بنا بر داستان افسانه‌ای که هرودوت آن را نقل کرده است، حلقه را می‌توان به‌منزله نشانه سرنوشت نیز تصور کرد. در این افسانه، پولیکرات به‌منظور حفظ بخت و اقبال روی آورده به وی، حلقه زمردنشانش را به‌منزله قربانی به دریا می‌افکند. پس از چندی، ماهی‌ای که حلقه را ربوده بود، صید می‌شود و به این ترتیب، حلقه دوباره به نزد پولیکرات برده می‌شود. به این ترتیب، دریا با بازگرداندن حلقه به صاحبش گریزناپذیری از دست سرنوشت را به وی می‌آموزد. پولیکرات چندی بعد از داریوش شکست می‌خورد و به دار آویخته می‌شود (دوبوکور، ۱۳۷۶، ۹۶). حلقه گاهی نماد ابزاری است که در بند می‌کشد و به دام می‌اندازد. وقتی یک پاپ جدید برگزیده می‌شود، حلقه ماهیگیران را به او می‌دهند. این حلقه نماد این سخن عیسی است با حواریون (که ماهیگیر بودند): «من شما را صیاد انسان‌ها خواهم کرد» (کمبل، ۱۳۸۰: ۱۵).

یکی از مهم‌ترین تجلیات قداس دایره، ماندالا است. ماندالا بیشتر از دایره‌های هم‌مرکز ساخته می‌شود که همه هم‌گرا به مرکز درونی هستند (دوبوکور، ۱۳۷۶: ۱۰۶). بنابراین، ماندالا را می‌توان بازتابی از جهان معنوی در این جهان دانست. هم‌گرایی دایره‌های رد ماندالا، آن را به محلی برای تمرکز حواس، سلوک درونی و نمودار سیر سالکان تبدیل کرده است (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۹۱). ماندالا واژه‌ای است سانسکریت به‌معنی حلقه سحرآمیز و حیطه تمثیلی آن شامل همه شکل‌های منظم متحدالمرکز، صور شعاع‌دار یا کروی است (فدائی، ۱۳۸۱: ۵۳ - ۵۴). واژه سانسکریت ماندالا، به‌معنی دایره، مرکز است؛ اما درواقع، این ساختار پیچیده دایره هم‌مرکز که همه دقیقاً ناظر به کانونی مرکزی‌اند، بیشتر در یک یا چندین مربع محاط است (دوبوکور، ۱۳۷۶: ۱۰۶). در هنرهای تصویری هند و خاور دور نیز، ماندالاها به‌شکل دایره‌های چهار و یا هشت پرتوی تصویر می‌شوند که جهان و پیوند آن را با نیروهای الهی آشکار می‌کنند (یونگ، ۱۳۷۸: ۳۸). در برخی از ماندالاها نیز مربعی در داخل دایره آشکار است. در این اشکال می‌توان دایره را نماد آسمان و مربع را نماد زمین در نظر گرفت (دوبوکور، ۱۳۷۶: ۱۰۴). به‌نظر می‌رسد که کاربرد طرح‌های ماندالایی در ساختار شهرها و بناها به‌منظور تبدیل آن‌ها به فضایی قدسی بوده است. این بناها، فرافکنی است از یک تصویر «کهن‌الگویی» از درون ناخودآگاه انسان به‌سوی جهان خارج. به این ترتیب، شهر و قلعه و معبد آن به نشانه‌ای از تمامیت روانی تبدیل می‌شوند و تأثیر و نفوذ ویژه‌ای بر افرادی که وارد آن می‌شوند و در آن زندگی می‌کنند

می‌گذارند (یونگ، ۱۳۷۸: ۳۸۴). فضای قدسی در معماری، به‌نوعی تکرار حضور آغازین انسان در بهشت را به ذهن می‌رساند. از این رو، انسان برای متبرک کردن فضای مقدس به جداسازی این فضا از دنیای پیرامون می‌پردازد (الیاده، ۱۳۷۲: ۳۴۶).

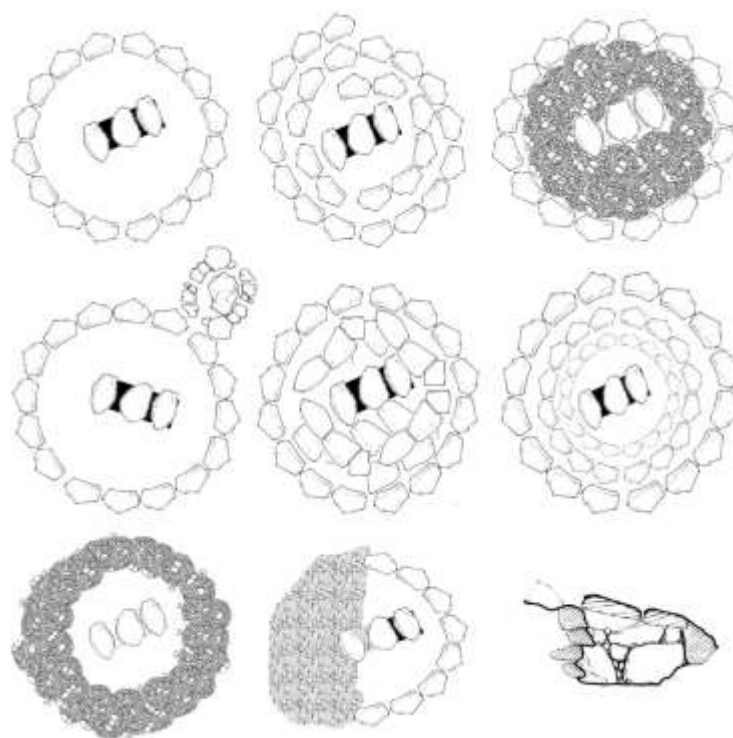
کاربرد ساختارهای مدور در قبور باستانی

جالب‌ترین نکته‌ای که می‌توان راجع به این ساختار و کاربرد آن در قبور باستانی عنوان کرد، این است که شاید بتوان کاربرد آن را مختص به هزاره دوم و اول قبل از میلاد دانست؛ ولی نمی‌توان برای مناطقی که این ساختار در آن‌ها گسترش یافته است، محدوده مشخصی را تعیین کرد. به‌نظر می‌رسد که با شدت گرفتن مهاجرت اقوام عصر آهنی از مناطق شمالی و شرقی به‌سوی غرب و جنوب - که بسیاری آن‌ها را اقوام هندواروپایی می‌خوانند - این نوع ساختار نیز همراه با ایشان در مناطقی که پای بدان نهادند، گسترده شده است. به‌گونه‌ای که مطالعات باستان‌شناختی، چنین ساختارهای مدور را در بسیاری از مناطق دنیا شناسایی کرده است. از کوه‌های آلتایی تا شمال و جنوب قفقاز و از شمال و غرب ایران تا شرق ترکیه و در نواحی مختلفی در اروپا چنین ساختارهایی قابل مشاهده است. در موارد بسیاری ابعاد چنین ساختارهایی که یک گور را احاطه کرده، به حدود چندین ده متر می‌رسد که نمونه‌ای از بزرگ‌ترین آن‌ها در منطقه آلتای دیده شده است. قطر این ساختار مدور به حدود ۸۰ متر می‌رسد (تصویر ۱) (Bourgeois & Gheyle, 2005: 11). برخی دیگر نیز به‌سبب اهمیت فرد مدفون و سایر افکاری که در ذهن به‌خاک سپارندگان می‌گذشته و عواملی که وابسته به آیین‌های به‌خاکسپاری آن‌ها می‌شده، از حدود ۵ متر تا ۹۵ متر متغیر بوده است. علاوه بر این مناطق، بر اساس بررسی‌ها و کاوش‌های انجام‌گرفته در ماوراء قفقاز (Smith et al., 2009) از جمله در کشور ارمنستان چندین نمونه از قبور نوع کورگانی (گور تپه) و دلمن شناسایی و مطالعه شد که یکی از ویژگی‌های بارز این قبور، وجود ساختارهای مدور بر روی آن‌ها بود. نمونه‌ای از طرح این قبور (تصویر شماره ۲) که از سوی این باستان‌شناسان ارائه شده، بیانگر ساختارهای جالب‌توجه در این گورهاست. برخی از آن‌ها از سوی یک ردیف و برخی دیگر با ایجاد چند ردیف دایره، به‌گونه‌ای خاص نوعی طرح ماندالایی را به‌وجود آورده‌اند.

واکاوی جامعه‌شناختی نماد دایره در ساختارهای... رضا رضالو و همکاران

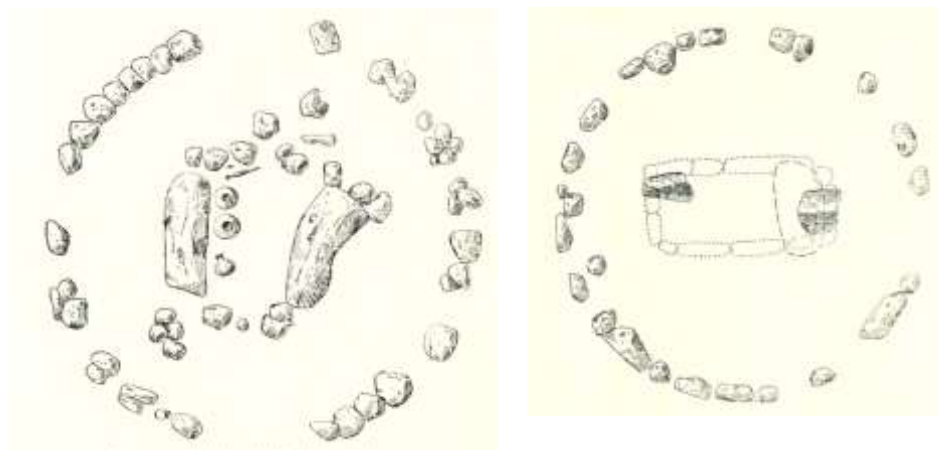


تصویر ۱: یکی از بزرگ‌ترین سنگ‌چین‌های مدور حول یک گور عصر آهنی در منطقه آلتای
(Bourgeois & Gheyle, 2005: 11)



تصویر ۲: انواعی از قبور باستانی با سنگ‌چین مدور از هزاره دوم و اول قبل از میلاد در ماوراء
قفقاز (Smith et al., 2009: p 107, fig 34)

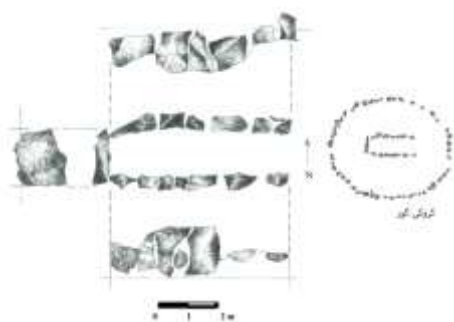
در بخش‌های مختلفی از حوزه‌های باستان‌شناختی ایران از جمله در شمال، شمال غرب و غرب ایران، استفاده از ساختارهای مدور برای قبور باستانی عصر آهن دیده می‌شود. دموورگان (۱۹۰۵) که در اوایل قرن بیستم در تعدادی از گورستان‌های شمال ایران به کاوش پرداخت، نمونه‌های مهمی از این ساختارها را در کتابش آورده است (تصویر شماره ۳). بسیاری از این گورها از انواع قبور چهارچینه سنگی هستند که معمولاً یک ساختار سنگی مدور در ابعاد متفاوت، تعداد یک یا چند نمونه از این گورها را در میان خود محصور کرده است. در بیشتر گورستان‌های شمال ایران که قبوری از نوع چهارچینه سنگی دارند، معمولاً چنین ساختاری دیده می‌شود. نمونه‌هایی از آن‌ها را می‌توان در گزارشات حفاری گورستان‌های لاسلوکان (Egami et al., 1965)، اسب سرا (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۱۱۲)، خواجه داود کپرو (Egami et al., ۱۹۶۵) و تول گیلان، مریان و تندوین در حوزه کرگان‌رود جنوبی شهرستان تالش (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۱۲۸) مشاهده کرد. ساختار مدور بسیاری از این گورها به واسطه چیدن قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای در یک ردیف ساخته شده‌اند. این امر بیانگر این موضوع است که به‌خاک سپارندگان با توجه به نزدیک‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین منابع سنگ برای انجام چنین کاری بهره می‌جستند. معمولاً از نزدیک‌ترین رودخانه و یا نزدیک‌ترین کوه به گورستان، این سنگ‌ها را تأمین می‌کردند.





تصویر ۳: ساختار مدور و بیضی شکل در قبور گورستان‌های شمال ایران (Demorgan, 1905: 12۳)

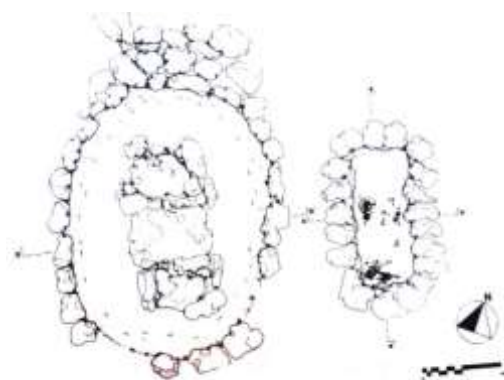
در شمال غرب ایران، استان اردبیل یکی از مناطقی است که در بیشتر گورستان‌های آن چنین ساختارهایی مشهود است. از جمله این محوطه‌ها می‌توان به گورستان گیلوان خلخال در جنوب استان اردبیل (رضالو، ۱۳۸۶ الف)، گورستان قلعه‌خسروی اردبیل (ر.ک: همان، ب؛ رضالو و آیرملو، ۱۳۹۳ الف)، گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر (ر.ک: رضالو، ۱۳۹۱؛ رضالو و آیرملو، ۱۳۹۳ ب)، گورستان قیزیل‌قیه مشگین‌شهر (حاجی‌زاده، ۱۳۹۳) و گورستان‌های حوزه اهل ایمان‌چایی (رضالو، ۱۳۹۴) اشاره کرد (تصویر شماره ۴). در محوطه بوبینی یوغون شهرستان نیر استان اردبیل (پورفرج، ۱۳۹۱)، برخی از گورستان‌های دشت مغان و مشگین‌شهر (حصاری و علی‌یاری، ۱۳۹۱) و در استان آذربایجان شرقی از محوطه زردخانه شهرستان اهر نیز چنین ساختارهایی به‌دست آمده است (تصویر شماره ۵) (کاظم‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). در غرب ایران نمونه‌ای از این گورها در گورستان چمژی مومه به‌دست آمده است (تصویر شماره ۶) (Vanden Berghe, 1975: 453). علاوه بر این‌ها، در آناتولی که طی هزاره دوم و اول قبل از میلاد یکی از مکان‌های مهم مهاجرت اقوام کوچ‌رو بوده است نیز گورهایی با ساختار مدور مشهود است که در تصاویر شماره ۷ و ۸ نمونه‌هایی از آن‌ها دیده می‌شود (Ozfiat, 2000; Belli & Konyar, 2003).



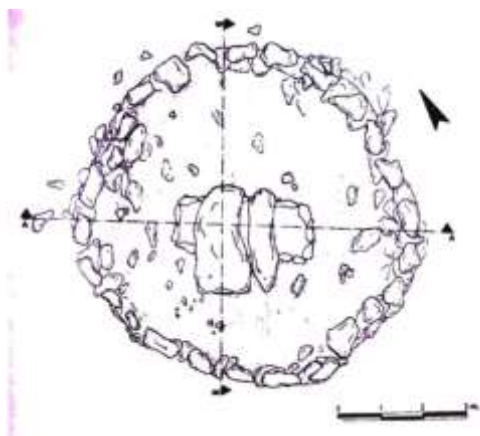
تصویر ۴: گوری از یکی از گورستان‌های حوزه اهل ایمان‌چایی مشگین‌شهر (رضالو، ۱۳۹۴: ۱۲۹)



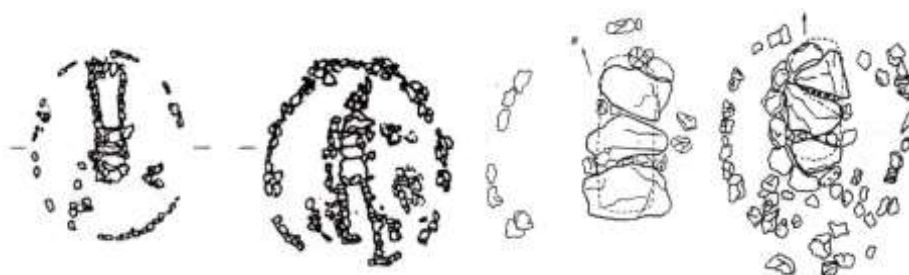
تصویر ۵: گور کلان‌سنگی از عصر آهن در گورستان زردخانه شهرستان اهر (کاظم‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۰)



تصویر ۶: گوری با ساختار مدور در گورستان چمژی مومه در غرب لرستان (Vanden Berghe, ۱۹۷۵: ۴۵۳)



تصویر ۷: یک گور کلان‌سنگی با ساختار مدور از عصر آهن در آناتولی (Belli & Konyar, ۲۰۰۳: ۲۳)



تصویر ۸: نمونه قبور با سنگ‌چین مدور در آناتولی شرقی (Ozfirat, 2000: 31, 37)

اعتقاد به ساختن این معماری مدور در بسیاری از قبور باستانی هزاره دوم و اول قبل از میلاد، در بسیاری از نقاط دنیا دیده می‌شود. در اینجا فقط به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌شود تا اهمیت این اعتقاد بیش از پیش روشن‌تر شود. هند یکی از مراکز اصلی ورود اقوام مهاجر هندواروپایی بوده است. درحقیقت، یکی از اصلی‌ترین شاخه‌های این اقوام این سرزمین را مسکن خود انتخاب کردند و بدانجا رهسپار شدند. در جنوب و قسمت‌های شرقی هند گورستان‌هایی از هزاره دوم و اول قبل از میلاد شناسایی شده است که قبور آن معماری مدور بر سطح خود دارند (تصاویر شماره ۹ و ۱۰). از آسیای میانه، شرق ایران، ایران، ناحیه قفقاز و آناتولی که بگذریم، برای نشان دادن گسترش این نوع معماری به قسمت‌های مختلف اروپا

خواهیم رسید. وجود این نوع معماری بر روی قبور در این بخش‌ها به شیوه‌ای تقریباً مشابه حیرت‌آور است. در غرب اروپا چنین قبوری در کشور ایرلند شناسایی شدند (تصویر شماره ۱۱). در جنوب غرب جزیره بریتانیا در ولز نیز قبور سنگی کاوش شده‌اند که دارای سنگ‌چین مدور بودند (تصویر شماره ۱۲). در همین نواحی و در جنوب غرب انگلستان در جنگل‌های دارتمور نمونه‌ای از ساختارهای مدور بر روی قبور مشهود است (تصویر شماره ۱۳). در شمال غربی‌ترین بخش اروپا، یعنی کشور دانمارک نیز گورهای بی‌شماری با این ساختار ساخته شده است که به هزاره دوم و اول قبل از میلاد تعلق دارند (تصویر شماره ۱۴) و در نهایت، در شمال اروپا در منطقه بالتیک در کشور استونی و در شبه جزیره اسکاندیناوی، ساختارهای مهمی به صورت مدور بر روی گورها ساخته شده است (تصاویر شماره ۱۵ و ۱۶).



تصویر ۹: گوری از هزاره دوم قبل از میلاد در شهر سیروپورور (Thiruporur) هند
(<http://www.megalithic.co.uk>)



تصویر ۱۰: گوری با ساختار مدور در جنوب هند از هزاره اول قبل از میلاد
(<http://selfstudyhistory.com>)

واکاوی جامعه‌شناختیِ نماد دایره در ساختارهای... _____ رضا رضالو و همکاران



تصویر ۱۱: گوری با ساختار دایره‌ای در ایرلند مربوط به هزارهٔ اول قبل از میلاد
(<http://www.irishmegaliths.org.uk>)



تصویر ۱۲: گوری سنگی در کشور ولز با سنگ‌چین مدور از هزارهٔ دوم قبل از میلاد (Oven 2008)



تصویر ۱۳: گوری با سنگ‌چین مدور در منطقهٔ دارتمور در جنوب غرب انگلستان از هزارهٔ دوم قبل از میلاد
(<http://glasshouses.typepad.com>)



تصویر ۱۴: گوری از اواخر هزاره دوم قبل از میلاد با سنگ‌چین مدور در کشور دانمارک
(www.visitmoen.com)



تصویر ۱۵: گورهای سنگی از هزاره دوم قبل از میلاد با ساختار مدور در شمال استونی (Subrenat, ۲۶: ۲۰۰۴)

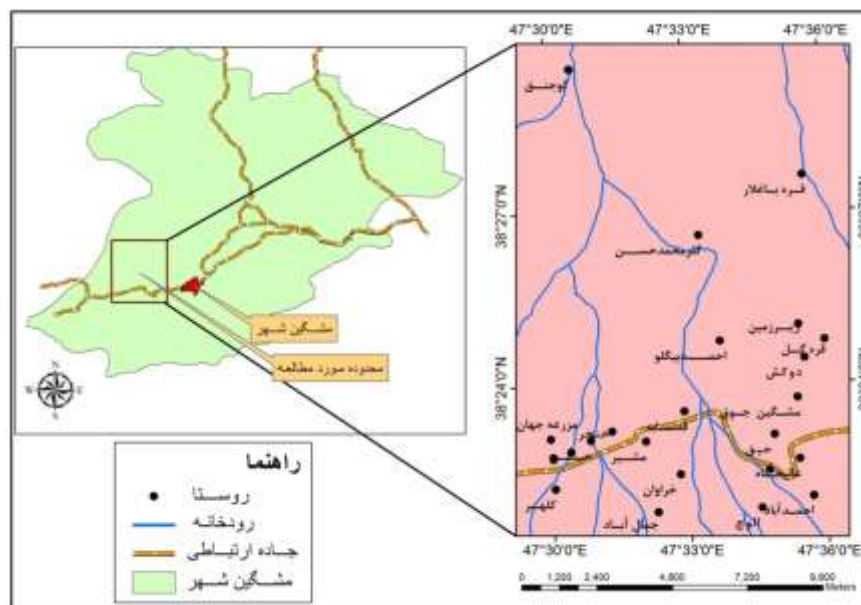


تصویر ۱۶: گوری با ساختار مدور در جنوب اسکاندیناوی از هزاره اول قبل از میلاد (Wiglaf, ۲۰۰۵)

حوزه مورد مطالعه و روش‌شناسی پژوهش

محدوده‌ای که پژوهش حاضر در آن انجام گرفته است، مساحتی در حدود ۲۵۰۰۰ هکتار (۲۵۰ کیلومتر مربع) را شامل می‌شود (تصویر شماره ۱۷). روستاهای احمدآباد، آلوچ، مزرعه خلف، قصابه، احمد بیگلر، گلر محمد حسن، کوچنق، قره باغلار، زیرزمین، مشگین جوق و حیق که در مسیر رود مشگین‌چایی واقع شده‌اند، بررسی فشرده شده‌اند. مشگین‌چایی یکی از رودخانه‌های پرآب و مهم مشگین‌شهر به‌شمار می‌آید. طول کلی رودخانه ۴۰ کیلومتر و ارتفاع سرچشمه و ریزشگاه آن به اهرچای به‌ترتیب ۳۰۰۰ و ۹۰۰ متر است. مشگین‌چای از دامنه‌های شمالی کوه سبلان در ۲۳ کیلومتری جنوب غربی مشگین‌شهر سرچشمه گرفته، با شیب تندی به‌سوی شمال جریان یافته است و سرانجام در ۵/۵ کیلومتری شمال غربی کوه ایلانلی داغ به اهرچایی می‌پیوندد. حوضه آبخیز مشگین‌چای با وسعتی معادل ۵۲۱/۹ کیلومتر مربع یکی از زیرحوضه‌های اهرچای در استان اردبیل است. این حوضه از طرف شرق با رودخانه خیابوچای، از طرف جنوب با هندرود، از غرب با میزان‌چای و از شمال با اهرچای هم‌جوار است. رودخانه مذکور از دامنه‌های شمالی ارتفاعات سبلان سرچشمه می‌گیرد. با دو حوزه بینوچای و کرکچای در جهت جنوبی - شمالی، نزدیک روستای کوچنق به اهرچای می‌پیوندد.

این رود عامل پیدایش بسیاری از محوطه‌های پیش از تاریخی، تاریخی و دوره اسلامی بوده است. تراس‌های آن مکان مناسبی برای اسکان در نظر گرفته شده است. به‌نظر می‌رسد که نزدیکی به این رودخانه، اولین عامل در انتخاب این محوطه‌ها برای استقرار یا قلعه‌سازی و یا ساخت مکان مقدسی چون گورستان برای دفن اموات بوده است. حدود ۷۰ محوطه باستانی طی بررسی باستان‌شناختی در این حوضه شناسایی و بررسی شد که از هزاره چهارم قبل از میلاد تا اواخر دوران اسلامی را شامل می‌شدند. بیش از نیمی از این سایت‌ها، از انواع محوطه‌های گورستانی بودند که به‌سبب موقعیت خاص خود برای دفن اموات انتخاب شده بودند. برخی از این گورستان‌ها به‌صورت مستقل و جدا افتاده، ولی برخی دیگر در کنار قلاع باستانی عصر آهن واقع شده بودند و در ارتباط با این مراکز دفاعی ایجاد گشته‌اند. در اینجا برخی از آن‌ها با تکیه به ویژگی معماری مدور گورها بررسی می‌شود.



تصویر ۱۷: محدوده مورد مطالعه (نگارندگان، ۱۳۹۴)

گورهای عصر آهن حوزه مشگین چایی

بررسی باستان‌شناختی حوضه این رودخانه بسیاری از مسائل مربوط به دوران پیش از تاریخ این منطقه را روشن ساخت. حدود ۷۰ محوطه باستانی از هزاره چهارم قبل از میلاد تا پایان دوره اسلامی در این حوزه بررسی، شناسایی و مطالعه شد که گورستان‌های عصر آهن با تعداد ۴۰ محوطه بیشترین آمار را در این بین داشتند. بین این محوطه‌های گورستانی آنچه در بیشتر قریب به اتفاق آن‌ها دیده می‌شود، گورهایی با سنگ‌چین مدور در اطراف گور مرکزی است. اینکه شکل گور مرکزی به صورت یک چاله ساده و یا یک گور چهارچینه سنگی باشد، در شکل این سنگ‌چین مدور تغییر خاصی دیده نمی‌شود، در همه آن‌ها این ساختار تکراری و جالب توجه به چشم می‌خورد. در برخی از آن‌ها به واسطه یک ردیف قلوه‌سنگ رودخانه‌ای و لاشه‌سنگ کوچک انجام گرفته و در برخی دیگر با استفاده از تخته‌سنگ و قطعات بزرگ ساخته شده است. در مواقعی قطر آن‌ها کمی بیشتر از طول و عرض گور مرکزی بوده و در برخی موارد قطر آن‌ها به حدود ۲۰ متر نیز می‌رسیده است. دقیقاً بر ما روشن نیست که کدام عامل در تعیین قطر این سنگ‌چین دخیل بوده است، ولی به نظر می‌رسد که موقعیت و رتبه اجتماعی فرد متوفی در این امر نقش بسزایی داشته است. با این حال مدارک متقنی برای اثبات

واکاوی جامعه‌شناختی نماد دایره در ساختارهای... _____ رضا رضالو و همکاران

چنین فرضیه‌ای وجود ندارد، فقط می‌توان در حد فرضیه بدان نگاه کرد و در مورد آن به بحث پرداخت.

در یکی از جالب‌ترین نمونه‌های قبور موجود در کنار رودخانه مشگین‌چایی در گورستان قیزیل قیه که به تازگی حفاری شده است (حاجی‌زاده، ۱۳۹۳)، یک طرح ماندالایی‌گونه از یک سنگ‌چین مدور بر حول یک گور مرکزی به چشم می‌خورد (تصویر شماره ۱۸). همان‌طور که در تصویر شماره ۱۸ دیده می‌شود، دایره بزرگ‌تر به قطر حدود ۱۸ متر با استفاده از قطعات سنگ بزرگ، سه دایره کوچک‌تر را دربر گرفته است. در مرکز این قبر و در عمقی در حدود ۲/۵ تا ۳ متر فرد متوفی همراه با هدایای بسیاری تدفین یافته بود.



تصویر ۱۸: گوری از عصر آهن گورستان قیزیل قیه با سنگ‌چین مدور به شکل دایره هم‌مرکز (حاجی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۹)

در نمونه دیگر و شبیه به این گور و با فاصله نه چندان زیاد از آن، گور دیگری با ساختار مشابهی قرار گرفته است (تصویر شماره ۱۹). آنچه اینجا کاوش شد، تدفینی بود که در مرکز این دایره در یک فضای مستطیلی صورت گرفته بود. همراه با وی هدایای بسیاری وجود داشت که نشان از اهمیت شخص متوفی بوده است. بر بالای

گور، تجمعی از سنگ‌های مختلف در ابعاد و اندازه‌های متفاوت انباشته شده است. این گور با دایره‌ای به قطر ۱۸ متر محصور گشته است. ذکر این نکته مهم است که اندازه قطر این ساختار دقیقاً با نمونه قبلی برابر بوده است و این اندازه همانی است که در سایر قبوری که در کنار آن‌ها ساخته شده‌اند نیز رعایت شده است؛ یعنی یک اندازه استاندارد در معماری مدور این گورها اعمال شده است. با توجه به این دو گور مورد بحث، اگر بزرگی این دواير را با اهمیت و منزلت شخص متوفی مرتبط بدانیم، سخن گزافی نگفته‌ایم. چیزی که کاوش علمی این دو گور بر ما عرضه داشته، نشان از اهمیت فرد مدفون بوده است، به‌گونه‌ای که حتی در گور دومی سقف گور را با الوار چوبی پوشانده بودند که کم‌تر در قبور عصر آهن به آن برخورد می‌شود. این دو مورد از قبور که ساختار آن‌ها با کاوش باستان‌شناختی بهتر دیده می‌شود، درک و فهم اصطلاح سنگ‌چین مدور و مطالب ارائه‌شده در کل این مقاله را آسان‌تر می‌سازد.



تصویر ۱۹: گوری از عصر آهن گورستان قیزیل‌قیه با سنگ‌چین مدور (حاجی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۸۰)

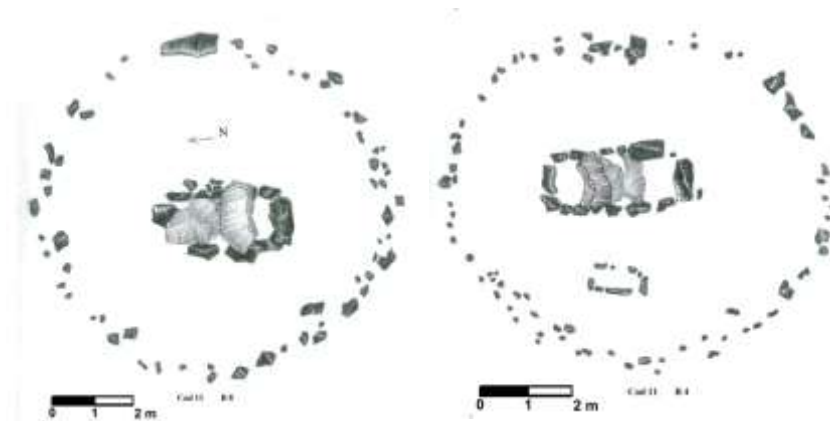


تصویر ۲۰: گور عصر آهنی با سنگ‌چین مدور از گورستانی مابین روستاهای گلر محمدحسن و کوجنق (نگارندگان، ۱۳۹۴)

آنچه در نگاه اول در تصاویر ارائه‌شده خود را نشان می‌دهد، گورهایی با ساختار مدور کاملاً شبیه به هم است، گویا آن‌ها همگی نماهای مختلف از یک گور هستند؛ ولی واقعیت این است که این گورها متعلق به گورستان‌های مختلفی هستند که چندین کیلومتر از هم فاصله دارند و این احتمال نیز وجود دارد که آن‌ها به‌لحاظ گاه‌نگاری با هم چندین سده اختلاف داشته باشند. چه عاملی این جوامع را ملزوم به ساختن چنین ساختارهای کرده است. در گورستانی نزدیک روستای کوجنق، در یک گورستان حدود ۲۵۰ گور در کنار هم ساخته شده‌اند. به جز چند مورد - که احتمالاً در گذر زمان ساختار دایره‌ای خود را از دست داده‌اند - همگی چنین ساختار مدوری را دارند. تنها تفسیری که با دیدن این گورستان بزرگ به ذهن انسان خطور می‌کند، تمرکز بر این موضوع است که به‌خاک سپارندگان این افراد، تکمیل آیین به‌خاکسپاری مرده را منوط به وجود چنین ساختاری می‌دانستند که برای این تعداد گور با صبر و حوصله سنگ‌های بزرگ را از مکان‌های دور برای ساخت این ساختارها جابه‌جا کرده‌اند. اگر چرایی وجود این نوع ساختارها نیز با اهمیت نباشد، چگونگی ساختن آن‌ها و اهتمام به وجود آن‌ها خود موضوع را پیچیده می‌کند (تصاویر شماره ۲۰ تا ۲۲).



تصویر ۲۱: نمونه‌ای از قبور با سنگ‌چین مدور از گورستان بزرگ قره‌قلعه روستای کوچنق (نگارندگان، ۱۳۹۴)



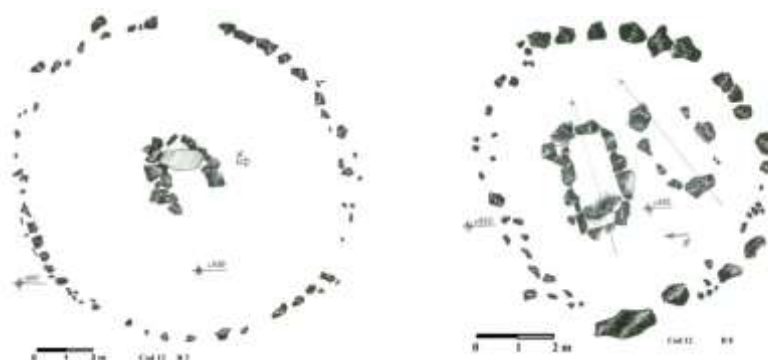
تصویر ۲۲: طرحی از نمونه قبور گورستانی در نزدیکی روستای گلر محمدحسن (نگارندگان، ۱۳۹۴)

نحوه ساخت این قبور بدین شکل بوده که ابتدا سطح زمین را در ابعاد دلخواه می‌کنند و در چهار طرف این فضای کنده‌شده با قرار دادن یک یا دو و در مواردی چند ردیف سنگ، یک گور چهارچینه سنگی ایجاد می‌کردند. برای استحکام این چهار دیواره، پشت آن‌ها را با سنگ‌های کوچک و خاک پر می‌کردند. فضای خالی بین سنگ‌های بزرگ را نیز با لاشه‌سنگ و قلوه‌سنگ پر می‌کردند تا استحکام سنگ‌های بزرگ دیواره بیشتر شود. بعد از انجام عملیات تدفین و قرار دادن مرده در داخل این فضای مستطیل‌شکل، با انجام مراسم خاصی - که از نحوه انجام آن اطلاع دقیقی نداریم - روی گور را با تخته‌سنگ‌های بزرگ که دو طرف آن‌ها

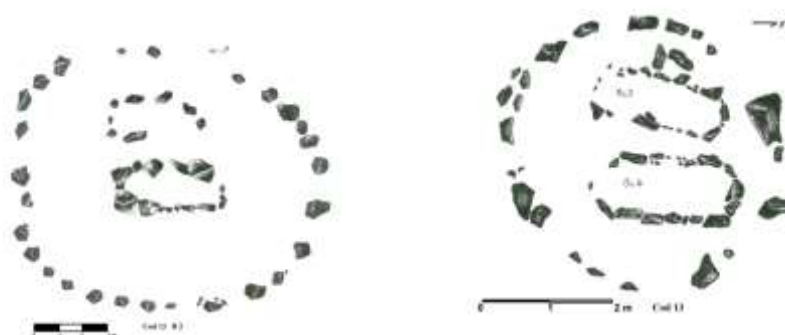
واکاوی جامعه‌شناختیِ نماد دایره در ساختارهای... _____ رضا رضالو و همکاران

روی دو دیواره قرار گیرد، پوشش می‌دادند. بعد از بستن سقف گور، روی آن را با استفاده از خاک و سنگ به صورت پشته‌ای کوچک در می‌آوردند؛ این پشته کوچک را با چیدن یک یا چند ردیف سنگ به شکل مدور، محصور می‌کردند تا بدین طریق فضایی که مرده در آن قرار گرفته است را با محیط بیرون جدا سازند.

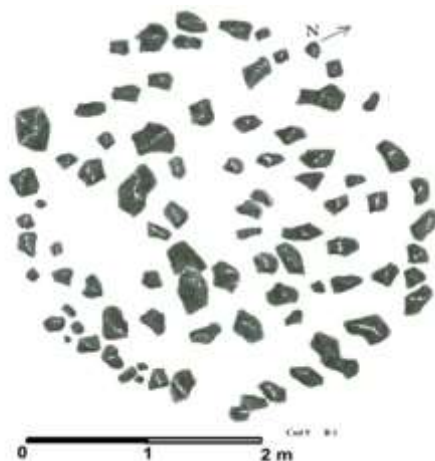
در برخی از گورستان‌های این حوزه، گورهای چهارچینه سنگی مشاهده شد که در آن‌ها چندین گور در داخل یک ساختار مدور جای گرفته بودند. در یکی از گورستان‌ها چنین روشی تقریباً برای تمامی گورها رعایت شده بود و آن‌ها به صورت دوتایی یا سه‌تایی در داخل یک ساختار مدور بودند. جهت طولی قبوری که در داخل این ساختار مشترک قرار گرفته بودند، معمولاً از یک راستا پیروی می‌کردند. ابعاد و اندازه این قبور نیز تقریباً با هم برابر بودند (تصاویر شماره ۲۳ تا ۲۶).



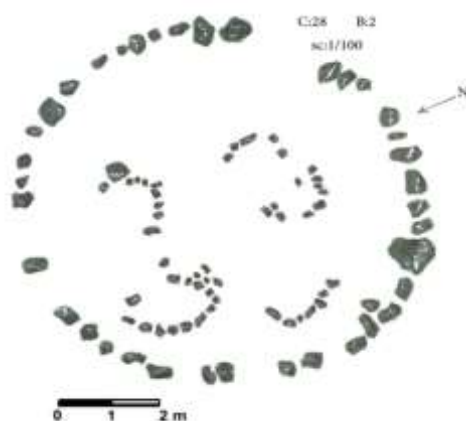
تصویر ۲۳: طرحی از نمونه قبور گورستان قره‌قلعه روستای کوچنق (نگارندگان، ۱۳۹۴)



تصویر ۲۴: طرحی از نمونه قبور گورستانی در نزدیکی روستای گلر محمدحسن (نگارندگان، ۱۳۹۴)



تصویر ۲۵: کورگانی با فرم دایره‌ای در گورستانی در نزدیکی روستای کوچنق (نگارندگان، ۱۳۹۴)



تصویر ۲۶: گوری از عصر آهن در گورستانی مابین دو روستای گلر محمدحسن و کوچنق (نگارندگان، ۱۳۹۴)

بحث

آیین‌های خاکسپاری و نحوه رفتار با کالبد در گذشتگان و نیز مراسم سوگواری و اهدای قربانی‌ها از مهم‌ترین وجوه حیات دینی است. مجموعه قوانینی که سبب می‌شود تا زندگان، مردگان خویش را به طرق خاص وارد دنیای پس از مرگ کنند. برای مثال، در برخی موارد مردگان را در زیر کف‌خانه‌ها دفن می‌کردند؛ چون معتقد بودند که ارواح گذشتگان در خوراک

واکاوی جامعه‌شناختی نماد دایره در ساختارهای... _____ رضا رضالو و همکاران

و مراسم دیگر خانواده‌ها سهیم‌اند و در آن دنیا به زندگی عادی خود ادامه می‌دهند (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۷۶). در برخی از نقاط بین‌النهرین باستان، مردگان را درون دیوار خانه‌ها می‌گذاشتند تا همیشه هر دوی زنده و مرده تحت حمایت یکدیگر باشند و در بخش‌های دیگر این منطقه پیکره‌هایی به یادبود مردگان برپا می‌کردند. نمونه‌ای از آن همان کار گیل‌گمش است که برای دوست در گذشته خود انکیدو انجام می‌دهد؛ یعنی مجسمه‌ای به یاد او برپا می‌دارد (مک‌کال، ۱۳۷۳: ۳۹).

در مقوله اهمیت دادن به مرده، مردم مصر تا آن حد پیش رفتند که معتقد شدند جسد در زندگی جاودانی پس از مرگ هم سهیم است و به همین دلیل باید از فساد و تلاشی آن پیشگیری کرد، با این توجیه آن‌ها برای پیش‌گیری از پوسیدن و تباهی اجساد به مومیایی آن‌ها می‌پرداختند. در مواردی حتی دیده شده گل‌های دیگری (گل رس رنگ‌شده با اکسید آهن) روی گور پاشیده شده و در گورهای دیگر بر اسکلت و اشیای پیرامون مرده نیز از این گل سرخ‌رنگ دیده شده است. در فلات مرکزی ایران نیز چنین موردی دیده شده است (فروشی، ۱۳۷۴: ۲۳). گمان بر این است که گل‌های دیگری را به دلیل رنگ سرخش به خون تشبیه می‌کرده‌اند که نماد زندگی و نیرو به‌شمار می‌آورده‌اند و ریختن آن بر روی مردگان می‌توانسته است همانند غذاهایی که در گور می‌نهادند به آن‌ها قوت و نیرو ببخشد (لاکوئه و همکاران، ۱۳۷۵: ۲۹). در برخی مناطق بین‌النهرین باستان گورهای پیداشده است که مردگان را دست‌وپا بسته دفن کرده‌اند و این به ترسی برمی‌گردد که از بازگشت مردگان داشتند. مردم ژاپن نیز از مردگان می‌ترسیدند و احترامی که به آن‌ها می‌نهادند ناشی از ترسشان بود (کوجیکی، ۱۳۸۰: ۱۲). در بسیاری از نقاط مختلف دنیا می‌بینیم که همراه با مرده جانور دیگری را که معمولاً سگ بوده، دفن کرده‌اند. دفن این حیوان بنا بر اسطوره‌هایی بود که بیشتر برای راهنمایی و کمک به مرده در مسیر آخرت دفن می‌شده‌اند. نمونه‌ای جالب از این نوع تفکر در گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر دیده شد که در یک گور کلان‌سنگی اسکلت چندین سگ به‌دست آمد (رضالو، ۱۳۹۱: ۲۲۰). مراسم و آیین‌های مربوط به مردگان و چگونگی برخورد با شخص مرده از رسومی است که همیشه سبب ایجاد باورهای اساطیری شده‌اند، اساطیری که همگی آن‌ها توجیهی برای این مراسم‌اند.

واژه مرگ مانند کلمه زندگی، هستی و پیدایش، مفهوم روشن و عامی دارد که بر کسی پوشیده نیست؛ اما در آن سوی این مفهوم همگانی و روشن چیزی قرار دارد که شاید بر کسی درست و دقیق معلوم نشود. در میان همه پدیده‌های فانی دنیا، تنها انسان است که از این

سرنوشت، یعنی مردن خبر دارد. همه جانداران می‌میرند؛ اما نمی‌دانند که روزی خواهند مرد، جز انسان که می‌داند و می‌فهمد که خواهد مرد. ساختارهای مدور نشان‌دهنده این موضوع است که انسان عصر آهنی خود را برای واقعه مرگ و دنیای پس آن آماده کرده است.

قبل از اینکه به ابعاد مختلف وجود این ساختار مدور پرداخته شود، موضوع مهمی باید خاطرنشان شود. باید توجه داشته باشیم که این قبور از سوی مردمانی ساخته می‌شد که زندگی مبتنی بر کوچ‌روی داشتند. بنابراین، محل زندگی آن‌ها در یک چادر گرد خلاصه می‌شد. آن‌ها در این فضای مدور به دنیا می‌آمدند، زندگی می‌کردند و در نهایت در آنجا به دنیای پس از مرگ رهسپار می‌شدند. شاید دل‌کنند از این ساختار مدور برای آن‌ها به قدری سخت بود که خواسته‌اند زندگی پس از مرگ آن‌ها نیز در این شکل مدور ادامه پیدا کند. به عبارت دیگر، شکل محل زندگی در این دنیا در ساختار قبور آن‌ها بازتاب یافته است. آن‌ها معتقد بودند در جهان پس از مرگ فرد متوفی دوباره زنده خواهد شد و به زندگی ادامه خواهد داد. پس مکانی برای زندگی او مهیا ساختند، شکل این مکان نشئت گرفته از تنها معماری بود که در ذهن آن‌ها از همان بدو تولد نقش بسته است؛ یعنی یک فضای مدور چادرگونه. پس قبل از انجام هر تفسیر فلسفی و جامعه‌شناختی درمورد پیدایش و تداوم این ساختار، به این نکته توجه شود.

موضوع دیگری که در مورد گورهایی با ساختارهای مدور وجود دارد و ما آن را با ارائه یک پرسش مطرح می‌کنیم، این است؛ چرا چنین قبوری با وجود هدایایی که در زمان خود ارزشمند بوده‌اند - همان‌که امروزه برخی از آن‌ها گذشته از ارزش فرهنگی دارای ارزش مادی هستند - سالم به دوره ما رسیده‌اند. بی‌شک جوامع آن دوره که خود متولی پیدایش چنین قبوری بودند، به این موضوع آگاه بودند که گور هر مرده‌ای دارای هدایای تدفینی است، پس چرا این امر سبب نمی‌شده تا به این قبور دست‌درازی کنند. به نظر می‌رسد که در کنار ناپسند دانستن این کار، تنها یک دلیل می‌توانسته است آن‌ها را از دستبرد به اموال تدفینی قبور دور نگه دارد و آن ترس از محیطی بوده که در یک فضای مدور محبوس گشته است؛ به عبارت روشن‌تر، ترس از ارواح مردگانی که در این فضای مقدس‌گونه محبوس گشته‌اند. به نظر می‌رسد که در افکار این مردمان، این دایره علاوه بر کارکردهای احتمالی - که بدان اشاره خواهیم کرد - به‌طور سهوی یا عمدی از دست‌درازی زندگان به اموال تدفینی مرده نیز مانع می‌شده است. شاید برخی عنوان کنند، قبوری از دوره باستان داریم که در همان زمان تدفین غارت شده‌اند. باید اشاره شود که اگر غارتی در آن زمان صورت می‌گرفته، از سوی عموم مردم نبوده و این کار صرفاً از سوی راهزنان و افراد به‌نسبت تهی دست جامعه صورت می‌گرفته است که راهی جز این برای امرار و معاش خویش پیدا نمی‌کردند.

با توجه به تصاویر قبور و طرح‌ها نکته دیگری نیز به ذهن خطور می‌کند. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، برخی از این سنگ‌چین‌های مدور چندین گور را در خود احاطه کرده‌اند. در این باره به دو فرضیه می‌توان متوسل شد: اول اینکه مردگان این چند گوری که در داخل یک مجموعه قرار گرفته‌اند همگی در یک زمان واحد از دنیا رفته‌اند و تدفین‌کنندگان با ساختن یک گور اختصاصی برای هر کدام از آن‌ها و به دلیل اینکه آن‌ها در کنار هم و نزدیک به هم دفن شده‌اند، برای همگی یک ساختار مدور مشترک ایجاد کرده‌اند تا بدین طریق از ساختن چندین فضای دایره‌ای و اتلاف نیرو و مصالح جلوگیری کنند یا به عبارت دیگر کار خود را آسان‌تر کنند. به نظر می‌رسد این فرضیه کمی دور از واقعیت باشد؛ چون مردمی که توانسته‌اند در یک گورستان صدها نمونه ساختار دایره‌ای را ایجاد کنند، ساختن چند ساختار اضافی برای آن‌ها کار چندان مشکلی نبوده است که خلاف اعتقاد خاص خود عمل کنند و هر مرده را از داشتن یک ساختار اختصاصی محروم کنند. دومین فرضیه که بدان اشاره می‌کنیم، کمی محتمل‌تر به نظر می‌رسد. اینکه مردگانی که در داخل یک فضای مدور قرار گرفته‌اند در یک زمان واحد از دنیا نرفته باشند و فقط به این دلیل در کنار هم و در یک فضای مشترک محصور شده که با یکدیگر نسبت خویشاوندی داشته‌اند و به خاک‌سپارندگان بدین طریق خواسته باشند ارواح آن‌ها را در کنار هم نگه دارند.

یکی از مواردی که در بحث نماد دایره بدان پرداخته شد، باور به نیروی معنوی این شکل در حفاظت از آن چیزی است که در درون آن قرار دارد. یکی از مواردی که برای کارکرد این ساختار دایره‌ای بر روی قبور عصر آهن می‌توان متصور شد، جلوگیری از سرگردانی ارواحی است که در داخل آن محبوس شده‌اند. شاید بزرگ یا کوچک بودن این ساختار نیز ارتباط مستقیم به این تصور داشته باشد. شاید آن‌ها برای ارواح افرادی که رتبه اجتماعی بالاتری داشتند، فضای بیشتری را در نظر گرفته‌اند و برای سایر افراد این فضا را به نسبت محدود کرده‌اند. علاوه بر جلوگیری از سرگردانی ارواح، جلوگیری از ورود ارواح خبیثه و شیاطین به محدوده‌ای که مرده در آن آرمیده است، از دیگر کارکردهای چنین ساختارهایی می‌توانسته باشد. آرامش ابدی که آن‌ها برای مردگان خویش می‌خواسته‌اند از طریق این فضا و این ساختار تأمین می‌شده است.

یکی از بهترین و بارزترین ویژگی که برای نماد دایره متصور شده‌اند، بحث جاودانگی است. شاید چنین کارکردی را برای ساختارهای مدور تدفین‌های عصر آهن در اولویت تمام بحث‌ها قرار دهیم و عامل اصلی پیدایش چنین معماری عجیب بدانیم. همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، دغدغه مرگ همیشه در ذهن بشر وجود داشته است. وی در پی راهی برای فرار از

فنا و نابودی بوده است. شاید انسان عصر آهنی ساختار مدور را عامل جاودانگی و ادامه حیات ارواح مرده می‌دانسته است. حتی این نکته نیز می‌توانسته وجود داشته باشد که وی تنها راه دوباره زنده شدن مرده در جهان پس از مرگ را در وجود چنین ساختاری می‌دانسته و سعی می‌کرده که در هر کجا از این کره خاکی بوده، مرده خویش را از جاودانگی و دوباره زنده شدن محروم نسازد، پس سعی کرده است تا چنین ساختاری به یک جزء لاینفک آیین به‌خاکسپاری تبدیل شود.

نکته آخری که درباره این ساختارها می‌تواند مطرح شود این است که آن‌ها ممکن است هیچ ارتباطی به بحث‌های قبلی نداشته باشند. شاید آن‌ها صرفاً به این دلیل ساخته شده‌اند تا یک فضای مقدس را به‌وجود بیاورند و در این فضای قدسی ارواح مردگان خود را به حضور خدا و یا هر آن چیز ماورائی که بدان معتقد بودند اهدا بکنند. شاید در اعتقاد این جوامع این فضا راه رسیدن مرده به‌سوی جهان پس از مرگ را هموارتر می‌ساخته است. حتی شاید خود به‌خاک‌سپارندگان نیز از کارکرد چنین فضایی آگاه نبوده‌اند و تنها به‌دلیل احترام به عقاید گذشتگان و انجام کامل آیین به‌خاکسپاری مردگان چنین کاری را انجام داده‌اند.

نتیجه

پژوهش حاضر نشان از گستردگی حیرات‌آور اعتقاد به ساختن یک ساختار مدور بر روی قبور هزاره دوم و اول قبل از میلاد در سرتاسر دنیاست. چنین اعتقادی از مناطق آلتای در غرب مغولستان تا آسیای مرکزی، از شمال و جنوب قفقاز تا شمال و شمال غرب و غرب ایران، در شرق در هند و در غرب در آناتولی گسترده شده است. علاوه بر این در بیشتر قسمت‌های اروپا در قبور هزاره دوم و اول قبل از میلاد چنین ساختار مدوری به اشکال متفاوت و با مصالح سنگ ساخته شده است. در شمال غرب ایران، در حوزه مشگین‌چایی استان اردبیل از عصر آهن گورستان‌های بسیاری در بررسی‌های باستان‌شناختی شناسایی و مطالعه شد که در بیشتر آن‌ها این ساختار جالب دیده می‌شود. بر اساس آنچه به‌طور مفصل بدان‌ها پرداخته شد، پیدایش و تداوم این ساختار مدور را می‌توان در چند موضوع بررسی و طبقه‌بندی کرد که هر کدام از آن‌ها می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده در این زمینه باشد.

۱. ارتباط ساختار مدور قبور عصر آهن با شکل چادر اقوام کوچ‌روی هزاره دوم و اول قبل از میلاد.

۲. حفاظت از مرده و اشیای تدفینی او در برابر دست‌درازی عموم مردم و کسانی که قصد تعرض به آن‌ها را داشتند.

واکاوی جامعه‌شناختیِ نماد دایره در ساختارهای... _____ رضا رضالو و همکاران

۳. محصور کردن فضای قبر با ساختار مدور برای جلوگیری از سرگردانی ارواح مردگان قرار گرفته در داخل گور.
۴. جلوگیری از ورود ارواح خبیثه و شیاطین به داخل محدوده گور.
۵. بحث جاودانگی و تأثیر این ساختار در دوباره زنده شدن و ادامه حیات دادن مرده در جهان پس از مرگ.
۶. تأثیر فضای مدور در هموار ساختن مسیر ارواح مردگان و گذر آنان به دنیای پس از مرگ.
۷. ایجاد فضای قدسی و اهدای روح مرده به خالق آن در یک فضای مقدس مدور.

منابع

- اسماعیل پور، اسماعیل (۱۳۷۷). *اسطوره بیان نمادین*. تهران: سروش.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲). *رساله در تاریخ ایران*. ترجمه جلال ستاری. تهران: توس.
- اتونی، بهروز (۱۳۸۹). «نگاره ماندالا، ریختار ساخت اسطوره، حماسه اسطوره‌ای و عرفان». *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. س ۶. ش ۲۱. صص ۹-۴۳.
- اکبری، فاطمه و همکاران (۱۳۸۹). «معرفت روحانی و رمزهای هندسی». *ادب عرفانی*. ش ۱۳. صص ۱-۲۲.
- بزرگ بیگدلی، سعید و همکاران (۱۳۸۶). «نمادهای جاودانگی (تحلیل و بررسی نماد دایره در متون دینی و اساطیری)». *گوهرگویا*. د ۱. ش ۱. صص ۷۹-۹۷.
- پورفرج، اکبر (۱۳۹۱). «تبیین و گاه‌نگاری فرهنگ کورگان‌های شرق شمال‌غرب ایران؛ بر اساس بررسی و کاوش در قلعه بونی یوغون‌نیر». *مطالعات باستان‌شناسی*. د ۴. ش ۵. صص ۵۹-۸۱.
- حاجی‌زاده، کریم (۱۳۹۳). «گزارش نهایی اولین فصل کاوش در گورستان قیزیل‌قیه مشکین‌شهر». تهران: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. پژوهشکده باستان‌شناسی.
- حصاری، مرتضی و احمد علی‌یاری (۱۳۹۱). «مطالعه و گونه‌شناسی قبور کلان‌سنگی و تپه‌ای (کورگان) استان اردبیل». *مطالعات باستان‌شناسی*. د ۴. ش ۵. صص ۱۱۳-۱۳۰.
- خلعتبری، محمدرضا (۱۳۹۲). *گیلان در عصر آهن*. تهران: گوی.
- دوبوکور، مونیک (۱۳۷۶). *رمزهای زنده‌جان*. ترجمه جلال ستاری. تهران: مرکز.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

- ذکرگو، امیرحسین (۱۳۷۹). «هنرهای تجسمی: ماندالا: تجلی ماوراءالطبیعه در هنر دینی هند». هنر. ش ۴۶. صص ۸۹ - ۱۰۰.

- رضالو، رضا (۱۳۸۶ الف). «گزارش نهایی اولین فصل کاوش گورستان خانقاه گیلوان». تهران: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. پژوهشکده باستان‌شناسی.

- _____ (۱۳۸۶ ب). *ظهور جوامع با ساختار پیچیده سیاسی و اجتماعی در دوران مفرغ جدید در حوزه جنوبی رود ارس، با بررسی موردی داده‌های باستان‌شناسی قلعه خسرو*. رساله دکتری باستان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- _____ (۱۳۹۱). «گزارش نهایی اولین فصل کاوش گورستان خرم‌آباد مشکین‌شهر». تهران: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. پژوهشکده باستان‌شناسی.

- رضالو، رضا و یحیی آیرملو (۱۳۹۳ الف). «فرهنگ عصر مفرغ جدید و آهن ۱ دشت اردبیل، مطالعه موردی قلعه خسرو و قلاع اقماری». *باستان‌شناسی ایران*. ش ۶. د ۴. صص ۶۵ - ۸۴.

- _____ (۱۳۹۳ ب). «آیین تدفین اسب در میان اقوام سکایی، مطالعه موردی گورستان خرم‌آباد مشکین‌شهر». *جامعه‌شناسی تاریخی*. د ۶. ش ۳. صص ۱۱۳ - ۱۴۴.

- _____ (۱۳۹۴). «مطالعات باستان‌شناختی و شناسایی محوطه‌های باستانی سد اهل ایمان». تهران: سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی. پژوهشکده باستان‌شناسی.

- لاکوئه، جی و همکاران (۱۳۷۵) *فرهنگ اساطیر آشور و بابل*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: فکر روز.

- شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۸۸). *فرهنگ نمادها*. ترجمه و تحقیق سودابه فضایی. ج ۳. تهران: جیحون.

- فدائی، برید (۱۳۸۱). *یونگ و روان‌شناسی تحلیلی او*. تهران: دانژه.

- فره‌وشی، بهرام (۱۳۷۴). *ایران‌ویج*. تهران: دانشگاه تهران.

- کاظم‌پور، مهدی و همکاران (۱۳۹۱). «نگرشی نو به گورهای کلان‌سنگی آذربایجان شرقی بر اساس یافته‌های محوطه زردخانه». *مطالعات باستان‌شناسی*. د ۴. ش ۵. صص ۱۵۵ - ۱۷۴.

- کمبل، جوزف (۱۳۸۰). *قدرت / اسطوره*. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.

- کوپر، جی سی (۱۳۷۹). *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: فرشاد.

- کوچیکی (۱۳۸۰). *کتاب مقدس آیین شینتو*. ترجمه احسان مقدس. تهران: نیروانا.

- مک‌کال، هنریتا (۱۳۷۳). *اسطوره‌های بین‌النهرینی*. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرز.

واکاوی جامعه‌شناختی نماد دایره در ساختارهای... _____ رضا رضالو و همکاران

- موسوی‌نیا، زهره (۱۳۸۸). «دایره نماد دینی در تمدن‌های بین‌النهرین، ایران. آئین بودایی هند و چین». کتاب ماه هنر. ش ۱۳۱. صص ۱۰۸-۱۱۳.
- هال، جیمز (۱۳۸۹). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- وارنیگ، فیلیپ (۱۳۷۱). فرهنگ خرافات (عجیب‌ترین خرافات مردم جهان). ترجمه احمد حجاریان. تهران: فیلیپ وارنیگ.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۸). انسان و سمبول‌هایش. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: جامی.
- Belli, O. & E. Konyar (2003). *Dogu Anadolu Bolgesinde Erken Demir Cagi Kale ve Nekropoller*. Arkeolojive Sanat Yayinlari.
- Bourgeois, J. & G. Wouter (2005). The Frozen Tombs of the Altai Mountains; Survey and inventory of archaeological sites and permafrost occurrence in the Dzhazator Valley, Report on the Belgian-Russian expedition in the Altai Republic, Russia.
- De Morgan, H, (1905). «Recherché au Talyche Persan en 1901: Necropoles des ages du bronze et du fer». *Mémoires de la Délégation en Perse (MDP)* 8, 251- 342
- Egami, N. et al., (1965). *The excavation at Ghale kuti and Laslukan 1960*, The Tokyo University Iraq-Iran archaeological expedition report 18: Tokyo.
- Oven, B. (2008). *Llanelwedd dig*, Cleyd-Powys Archaeological Trust.
- Ozfirat, A. (2000). *Dogu Anadolu Yayla Kulturleri*, Arkeoloji ve Sanat Yayinlari, Istanbul.
- Smith, A. T. et al., (2009). *The archaeology and geography of ancient transcaucasian societies*. Vol. 1. the University of Chicago.
- Subrenat, Jean-Jacques (2004). *Estonia Identity and Independence*. Tr. in English by David Cousins, Eric Dickens, Alexander Harding & Richard C. Waterhouse: Amsterdam - New York.
- Vanden Berghe, L. (1975). *Excavition in chamahzy Mumah in pusht -i- ikouh Luristan. Priceeding of the Annaai symposium on Archaeological Reserch in Iran*. Musum of Iran Bastan. Tehran, Iran.
- Wilgaf, A. (2005). *A minor stone circle in Brändåsen*. Hardemo parish, Närke.

Sociological analysis of the circle symbol in the Funerary structures of Iron Age; Case study of the Meshgin Chayi basin cemeteries

Reza Rezalou,^۱ Yahya Ayremlou,^۲ Karim Hajizadeh Bastani,^۳ Behruz

Afkhami^۴

Abstract

In Archaeology the Iron Age refers to the period in which the immigration struggle intensified between different ethnic groups. The best data from these immigrant communities are their funerary structures. So that these structures have been seen in many areas of Archaeological where they are occupied. The most prominent funeral feature of these tribes that can be seen in the most entered lands is a circular stone structure on the grave that surrounds the central space or location of the dead. The study area is one of the flooded rivers of Meshgin city that such a system is one of the important factors in the appearance of the ancient sites of this part of Ardabil province. In archaeological surveys, many Iron Age cemeteries were identified and studied in this area. One of the sensible Features for the tombs of these cemeteries is interesting circle-shaped structures that surround the inside of the grave and location of the dead place. This research is worked with brief background of the transmittal rate of such structures in the second and first millennium B.C graves in different parts of the world with looking for the mythological and symbology studies that why and how the circular structures are made in the ancient Iron Age burials of Meshgin Chayi basin. A sociological regard to this topic shows that there have been special belief between Iron Age societies that believe on those due to appearance and continuation of special methods in the dead interment.

Keywords: Iron Age, Meshgin Chayi basin, Cemetery, tomb, Circular structure.

^۱Associate Professor, Department of Archaeology, university of Mohaghegh Ardabil

^۲Ph. D Student, Department of Archaeology, university of Mohaghegh Ardabil

^۳Assistant Professor, Department of Archaeology, university of Mohaghegh Ardabil

^۴Assistant Professor, Department of Archaeology, university of Mohaghegh Ardabil